

#### ■ چکیده:

گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری- شنیداری سازمان اسناد و کتابخانه ملی، با بیش از ۲۰ سال سابقه فعالیت در حوزه تاریخ شفاهی، مصاحبه‌های مختلفی را با شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... انجام داده‌است. در میان مصاحبه‌های انجام شده، می‌توان به چند مصاحبه با بزرگان حوزه نسخه‌های خطی، از جمله، عبدالحسین حائری، عبدالله انوار، علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، اشاره داشت. در این مقاله به مصاحبه با استاد عبدالحسین حائری که در تاریخ ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۷۲ انجام شده‌است، پرداخته می‌شود.

در این مصاحبه به موضوعاتی از قبیل پذیرش مسئولیت کتابخانه مجلس در شرایط خاص، نحوه کسب مهارت در امر نسخه‌شناسی، دغدغه احیای علوم اسلامی- ایرانی، اشاره به نحوه فعالیت شورای قیمت‌گذاری (شورای مقوم)، منشاء منابع کتابخانه مجلس و... اشاره شده است.

#### کلید واژه‌ها:

تاریخ شفاهی؛ مصاحبه؛ نسخه‌های خطی؛ شورای قیمت‌گذاری؛

## مصاحبه با استاد عبدالحسین حائری

محمد محمدی‌نیا<sup>۱</sup>

### مقدمه:

آنچه که در زیر می‌خوانید مصاحبه‌ای است با استاد عبدالحسین حائری که در دفتر کار ایشان در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، و به‌همت سرکار خانم نیک نفس، رئیس گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری- شنیداری سازمان اسناد و کتابخانه ملی انجام شده است.

حائری در سال ۱۳۰۸، در قم متولد شد و در کودکی، قرآن و خواندن و نوشتن را در مکتب فرا گرفت. سپس نزد پدرش، مقدمات عربی و بعضی کتاب‌های لغت و دروس مدرسه‌ای را خواند و سطوح عالی فقه و اصول را تا سن نوزده سالگی به پایان رساند. بعد از آن نزد کسانی مانند آیات عظام محمدتقی خوانساری، صدرالدین صدر، محمد حجت و حسین طباطبایی بروجردی دروس خارج را گذراند و در سن ۲۴ سالگی به درجه اجتهاد نایل شد و به تهران عزیمت کرد. ۱۷ سال عضو هیئت مؤلفان لغت‌نامه دهخدا بود و بر چاپ چند جلد از آن نیز نظارت داشت. ایشان با نیم قرن سابقه فعالیت و کوشش در عرصه نسخه‌شناسی و نسخه‌پژوهی کشور، صاحب نظریه «بازنویسی تاریخ علم بر اساس بازنویسی فهرس نسخ خطی» که جایزه‌ای جهانی را کسب کرد، کسی است که به مدت ۲۰ سال ریاست کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشته است.

گروه منابع دیداری- شنیداری (تاریخ شفاهی) سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در سال ۱۳۷۲، پس از جلب موافقت مصاحبه‌شونده، موفق گردید بیانات ایشان را ضبط نماید.

[ضمن تشکر از شما به خاطر فرصتی که در اختیار ما گذاشتید، به عنوان اولین سؤال، خواهش می‌کنم خودتان را معرفی بفرمایید.]<sup>۲</sup>

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اسم من عبدالحسین حائری هست و در [سال] ۱۳۰۸ شمسی در قم متولد شدم. تحصیلاتم طبعاً تحصیلات قدیم قم است. در کنار تحصیلات اصلی [ام] مطالعات

۱. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی،  
کارشناس اسناد و مدارک گروه تاریخ شفاهی  
mohammadinia@chmail.ir  
۲. پرسش ابتدای مصاحبه ضبط نشده بود.



تاریخی [هم] داشتم. متن تحصیلاتم فقه و اصول و فلسفه و درس‌هایی [بود] که در قم خوانده می‌شد و خب درس را تا مدارج عالی من طی کردم، چند سال، حدود شش- هفت سال، درس خارج آقای مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی، آقای آیت‌الله‌حجت و اساتید درجه اول آن وقت رفتم. در [سال] ۱۳۳۱ به دلایل شخصی، قصد ادامه ماندن در سلک روحانیت را نداشتم و آمدن تهران و یک پیشامد مناسبی برای من شده بود، به این صورت که نفساً پیشامد خوبی نبود، ولی برای اینکه من مشغول کار بشوم در کتابخانه [مجلس] مناسب بود. اینکه همان اوان که وارد شدم بعد از یکی، دو ماهی در کتابخانه مجلس مشغول شدم و آن پیشامد ماجرای سعید نفیسی<sup>۱</sup> بود، که لابد شنیدید [ماجرای] سعید نفیسی را.

### **بله اسمشان را شنیدم ولی اگر امکان دارد ماجرا را شما بگوئید.**

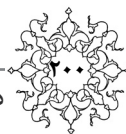
یک کاری در کتابخانه وجود داشت و افراد خیلی خاص می‌توانستند مراجعه کنند و آن هم کتابشناسی کتب خطی بود که به‌خصوص آن وقت خیلی کمتر کسی در این مورد تخصصی داشت. مرحوم سعید نفیسی که استاد بود و خیلی معروف و نویسنده و مؤلف کتاب‌های زیادی بود، قراردادی بسته بود با کتابخانه مجلس که کار کتابشناسی را انجام بدهد و مسئله‌ای رخ داده بود که ایشان کتاب‌هایی را گویا از مخزن کتابخانه خارج کرده بود و ماجرا دنباله دارد که کاری به آن مسئله ندارم. به‌هرحال نتیجه، این شده بود که دادسرای تهران بر اثر شکایت مجلس، مداخله کرده بود و مهروموم کرده بودند قفسه‌های خطی را، از طرف دادسرا. چند سال پیش این [ماجرای] اتفاق افتاده بود. مجلس به خودش اجازه نمی‌داد که این پست را به کسی واگذار کند. چون این شغل احتیاج به امانت‌داری زیادی داشت. به‌هرحال وقتی من آمدن تهران فکر کردند که به من می‌توانند اطمینان کنند و این کار را کردند و از دادسرا آمدند و مهروموم را باز کردند و من مشغول این کار شدم تا حالا که همان‌طور اشتغال دارم؛ چهل و چند سال است که شغل اصلی‌ام در حقیقت شناسایی کتاب‌های خطی [است]. این خلاصه کار من است، البته در این مدت که اینجا بودم مدت چند سالی هم جز هیئت مؤلفین لغت‌نامه دهخدا بودم، کتاب‌های مختصری تصحیح و چاپ کردم. کار مهمی در عالم نویسندگی نکردم. بعضی مقالات نوشته‌ام ولی کار اصلی‌ام در همین کتابخانه بود و کار کتابشناسی کتب خطی.

### **استاد صحبتی در مورد والدیتان نکردید.**

بله، پدر من روحانی بود و مادرم دختر آیت‌الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم بود و پدرم روحانی بود و داماد ایشان بود.

۱. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: این کتابخانه از بزرگ‌ترین و معتبرترین کتابخانه‌های تخصصی در ایران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی است که در ۱۲۸۷ش. تأسیس شد. این کتابخانه در درجه نخست در خدمت نمایندگان مجلس شورای اسلامی و کارکنان قوه مقننه است، اما از دیرباز به‌طور وسیع مورد مراجعه دانش‌پژوهان و دانشجویان بوده است.

۲. اشاره به پیداشدن کتاب‌هایی به مهر کتابخانه مجلس، در منزل یا کتابخانه شخصی سعید نفیسی، که منجر به پلمپ کتابخانه مجلس، توسط دادسرا شد.



## اسمشان [چیست]؟

بله اسم پدر من، احمد حائری بود. عرض کنم که من در حقیقت نیمه‌عرب و نیمه یزدی هستم. یعنی مادرم طبعاً پدرش یزدی هست و مادرم یزدی حساب می‌شود و پدرم هم تقریباً عرب، نیمه‌عربی بود یعنی از این اشخاص که چند نسل ساکن عراق بودند. ریشه اصلی البته ایرانی بوده ولی چند نسل‌شان در عراق ساکن بودند و عرب عراقی حساب می‌شدند.

## آن وقت با شیخ عبدالکریم حائری...؟

بله پدر مادرم، همان آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری بود.

## طبعاً پس حاج شیخ مرتضی حائری<sup>۱</sup> هم...؟

ایشان هم دایی من می‌شوند بله، بله.

## استاد این تبحری که شما در زمینه شناسایی نسخه‌های خطی دارید می‌توانید مقداری در مورد [آن] توضیح دهید که اصولاً از کجا فراگرفتید؟

من هیچ، می‌شود گفت که ذوق شخصی بوده، [از] چهل و چند سال پیش که آمدم اینجا. در قم که بودم تا حدودی سروکار با کتاب‌های خطی داشتم و البته آن وقت کتاب‌های خطی خیلی ارزان و فراوان بود، بعضی از دست‌فروش‌ها کتاب در مدرسه فیضیه می‌آوردند و عصرها بساطشان را آنجا پهن می‌کردند و طلبه‌ها می‌آمدند و می‌گرفتند من هم جزو همان‌ها بودم و این کار را می‌کردم و طبعاً گرایش و کنجکاوای راجع به شناسایی کتب خطی پیدا کرده بودم و این بود که این کار خیلی مناسب ذوق من شد و بر اثر مراجعه و ممارست زیاد [به] این کار [مسلط شدم] والا درس این کار را طبعاً نخواندم.

## طبعاً فکر می‌کنم چون در خانواده‌ای که از علما بودند، کتاب‌های فقهی [در اختیار داشتید]؟

بله تو خانه (کتاب‌های فقهی) زیاد بود... و خب این اعتقاد هم از جوانی در من وجود داشت یعنی تأسف بر علوم اسلامی واقعاً مسئله‌ای است که در ذهن من است و سرمایه ذهنی‌ام است که مسلمان‌ها و بالاخص ایرانی‌های مسلمان خیلی مظلوم [واقع] شده‌اند [از نظر علوم، برای این که هیچ قومی به اندازه [مسلمان‌ها] نیستند که میراث فرهنگی داشته باشند، انصافاً میراث فرهنگی‌شان در همین کتاب‌های خطی نهفته است [ولی] در دنیا به دانش شناخته [شده] نیستند. وقتی آدم قرون گذشته را نگاه می‌کند تا قرن چهارم و پنجم و از جهاتی تا [قرن] هفتم، می‌بیند

۱. مرتضی حائری یزدی: فقیه و عالم، فرزند شیخ عبدالکریم حائری یزدی.



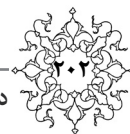
که علوم درخشش داشته، علوم مختلف، علوم ریاضی، علوم پزشکی، رشته‌های مختلفی علمی، فقه و اصول که سر جای خودش، واقعاً درخشش داشته و در دنیای تاریخ علم خیلی ناسپاسی نسبت به علوم ایرانی-اسلامی شده. من فکر می‌کنم که وظیفه ما این هست که زنده کنیم، [علوم ایرانی-اسلامی] را [و] نگهداریم و این هم به این معنا نیست که مثلاً برویم کتاب قانون ابن سینا را بگیریم عمل کنیم، معنایش احیای نام این علوم به‌عنوان علوم ایرانی-اسلامی است [که] به‌عنوان سابقه فرهنگی این قوم در شناسایی خودشان خیلی مؤثر است، که ملت مسلمان ایران خودشان را بشناسند که سابقه فرهنگی‌شان چه بوده، این همیشه ته ذهن من بوده و این تأثیر و تأسف را خورده‌ام. بعدها دیده‌ام، با بزرگان صحبت کرده‌ام که واقعاً چرا ما تاریخ علم نداریم، چرا در دانشگاه کرسی تاریخ علم وجود ندارد و خیلی مهم است این. ولی حالا البته یک مقدار اسناد الان مطرح شده، اسناد تاریخی ملت ایران. خب یک مقدار توجه زیاد شده [و] دانشگاه هم البته حرکت‌های کوچکی دارد می‌کند. عده‌ای را تک تک فرستاده‌اند به سورین فرانسه شاید جاهای دیگری [هم] فرستاده‌اند که من خیر ندارم، برای ارتباط با تاریخ علم، کرسی تاریخ علم تماس‌های [بسیاری] دارند. امیدوارم که انشاءالله این نقیصه جبران شود.

## استاد می‌شود یک خرده‌ای توضیح دهید که اصولاً شما تا حالا چه کارهایی انجام دادید روی نسخه‌های خطی؟

من نسخه‌های خطی را به خصوص نسخه‌ای که کهنه باشد مثل یک سند بهش نگاه می‌کنم یعنی مثل مجموعه سند به آن نگاه می‌کنم برای اینکه نسخه‌های خطی یک چیز مشخصی دارد. هر کتاب خطی از دو نقطه نظر می‌شود به آن نگاه کرد یکی از نظر کتابشناسی [به این معنی] که آدم بداند اسم این کتاب چیست، مؤلفش که بوده و موضوع کتاب چیست، در اصطلاح ما کتابشناسی می‌گویند. اما از نظر نسخه‌شناسی یک دریای عظیمی است این نسخه‌شناسی، برای این که هر برگ این کتاب‌ها یک سند است. کتاب‌های خطی غیر از این علمی که این کتاب [در مورد آن است] مثلاً فلسفه، فقه، اصول یا تاریخ یا هر چیز [دیگری] که هست، در هر برگ از آن، بسیاری از اوقات، چیزهای دیده‌می‌شود که در هیچ کتاب تاریخ مدون دیگری دیده نمی‌شود. چون قدیم رسم بوده که یادداشت‌های مختلف‌شان را، حالا شاید کمبود کاغذ بوده یا هر چی، در همان یک کتاب خطی یا یک دفترچه خطی که داشتند می‌نوشتند. این یادداشت‌ها گاهی خیلی مهم است. من چیزهای مهم توی این یادداشت‌ها دیده‌ام.

از جمله این [مطلب] را در بعضی از مصاحبه‌ها چند دفعه گفتم که مثلاً الان یک کتاب خطی مال قرن هفت اینجا هست رساله‌ای از خواجه نصیر[الدین طوسی] دارد مال همان زمان خودش، [رساله] از بابا افضل<sup>۱</sup> دارد، و از محقق حلی<sup>۲</sup> دارد، رساله قدیمی خوب دارد توش، از جمله یک

۱. افضل‌الدین محمدبن حسن‌بن حسین‌بن محمد خوزه‌ای مرقی کاشانی شناخته شده به بابا افضل کاشی یا کاشانی شاعر و عارف ایرانی
۲. ابوالقاسم جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید حلی، فقیه، اصولی و شاعر بزرگ شیعی و مشهور به محقق حلی و محقق اول



صفحه‌اش هست که چیزی دارد راجع به خواجه نصیر که هیچ جا در تاریخ نیست. برای این که می‌گوید خواجه نصیر و دو نفر دیگر، عمادالدین طوسی<sup>۱</sup> و یک نفر دیگر از بزرگان، اینها از اولاد امام رضا (سلام‌الله‌علیه) هستند که از سه دختر بودند که جده اینها حساب می‌شوند، یکی‌شان لطیفه که مادر خواجه نصیر طوسی بوده یعنی جده‌اش می‌شود. این سه خواهر، اسم یکی ناز بانویه بوده، یکی لطیفه و اسم یکی دیگر، الان یادم نیست؛ می‌گوید: «لطیفه مقتیه بودی» خوب، این یک چیز خیلی مهم است، کم حرفی نیست و اینکه ما می‌دانیم که خیلی از زنها و دخترهای علماء اهل علم و درس خوانده و تا مرحله اجتهاد رسیده بودند، ولی «مقتیه بودی» یک حرف بزرگ تاریخی است.

به هر حال من کتاب خطی را مثل یک سند نگاه می‌کنم. خیلی از علما را ما تو کتاب‌های خطی می‌شناسیم، مثلاً یکی از نقطه نظرهایی که باز من ندیدم، نوعاً فهرست‌نویس‌ها به این نکته توجه ندارند؛ من یک کتاب را که می‌خواهم فهرست کنم و کتاب قدیمی است، تو کتاب مطالعه می‌کنم. مآخذ نویسنده را بررسی می‌کنم. بسیاری از کتاب‌ها، اسم کتاب‌ها و مؤلفینی را می‌آوردند که در کتاب‌هایی که مدون است برای ذکر مؤلفین یا اسم کتاب‌ها، اسمشان نیست و من فکر می‌کنم وظیفه ما که سروکار با کتاب‌های خطی داریم این است که (البته من این کار را می‌کنم حالا دیگران بعید می‌دانم این کار را بکنند، ندیدیم این کار را بکنند)، فکر می‌کنم که، [انجام] این کار لازم است: اسامی کتاب‌هایی را که این شخص اسم برده و به آن استناد کرده و اسم مؤلفین را استخراج می‌کنم. و به این حساب اسم مؤلفین و رقم تألیفات مسلمان‌ها و ایرانی‌ها، بسیار بسیار، بالا است و کاملاً قابل ملاحظه است.

### تا به حال شما روی نسخه‌های خطی چه فعالیت‌هایی کرده‌اید؟

خیلی، طبعاً نسخه خطی که می‌آید اینجا اول من کتابشناسی می‌کنم. اصلاً تا من اینها را نشناسم ... ما شورای قیمت‌گذاری داریم. کتاب به این صورت می‌آید اینجا، کتاب می‌آید عرضه می‌شود. خانواده‌ها یا کسانی که کتاب بخواهند بفروشند، کتاب [را] می‌آورند پیش ما، اگر هدیه می‌کنند که یک مسئله دیگری است، اگر بخواهند بفروشند ما در شورای مقوم، کتاب را قیمت می‌کنیم [و بعد] قیمت را به آن آقا یا خانم اطلاع می‌دهیم، اگر قبول کردند توافق می‌شود و اگر قبول نکردند مراحل بعدی [را] طی می‌کنیم. آن وقت تا من کتاب را کتابشناسی نکنم آن گروه قیمت‌گذار، قیمت روی کتاب نمی‌گذارد. این است که قیمت‌ها در حدود واقعیت گذاشته می‌شود. نوعاً قیمت‌گذار [ها] کتاب را درست نمی‌شناسند [و به صورت] یک حدس کتاب را [قیمت می‌گذارند] ولی ما کتاب را شناسایی می‌کنیم. ... مثلاً الان کتابی هست که پریروز خانمی اینجا آوردند، دو روز خانم می‌رفت و می‌آمد تا من کتاب‌ها را شناختم چون اول خودش هم اسم [کتاب] را [نمی‌دانست] کتاب را

۱. محمدبن علی بن حمزه، معروف به عمادالدین طوسی (نیمه اول قرن ششم - ۵۸۵ ق، درگذشته: کربلا، مدفن: نجف) از اکابر فقهای امامیه در قرن ششم هجری می‌باشد.

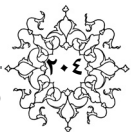


۱. حاج شیخ عبدالله مازندرانی حائری، فرزند عالم بزرگوار، آیت‌الله زین‌العابدین مازندرانی، فرزند مرحوم کربلایی مسلم بارفروش (از ارادتمندان و شیفتگان خاندان رسالت)، می‌باشد. آیت‌الله شیخ زین‌العابدین مازندرانی از اکابر علما و اجلاء فقهای امامیه و از مراجع عظام تقلید بوده اند. مرحوم علامه شیخ آقابزرگ تهرانی در نقباء البشر او را چنین توصیف می‌کند: شیخ زین‌العابدین بن مسلم بارفروش حائری از اعظم علماء و اکابر بر فقها بوده است / <http://www.hadith.net/>
۲. بریدالقامر فی صلوٰه‌المسافر، کتاب خطی با شماره ۴۶۰، از مجموعه‌های منابع خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ این کتاب توسط انتشارات کتابخانه مجلس، به چاپ رسید.
۳. الذریعة إلى تصانیف الشيعة: دائرةالمعارف کتابشناسی بزرگی در ۲۶ جلد (البته با احتساب جلد نهم که خود ۴ جلد است، مجموعاً ۲۹ جلد) است که به‌همت علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی فراهم آمده‌است.
۴. هادی حائری: نویسنده و شاعر، فرزند حاج شیخ عبدالله حائری مازندرانی ملقب به رحمت‌علی‌شاه از مشایخ صوفیه در سلسله نعمت‌اللہی گنابادی بود.
۵. محمد محسن بن مرتضی، یا ملامحسن فیض کاشانی معروف به فیض کاشانی و فیض کاشی، حکیم، فیلسوف، محدث و عارف و از بزرگترین دانشمندان دانشمندان شیعه در قرن یازدهم هجری قمری، دوره صفوی (عهد شاه عباس ثانی) بوده است.
۶. از کتب روایی فقهی و استدلالی ملامحسن فیض کاشانی است که در سال ۱۰۴۲ق. نگاشته شده.
۷. آقا باقر وحید بیهیانی، ولادتش در سال ۱۱۱۷ق. در اصفهان، به فاصله چند سال پس از درگذشت علامه مجلسی بوده است.
۸. شیخ زین‌العابدین مازندرانی: شیخ زین‌العابدین ابن مسلم مازندرانی، عالمی ربانی، فقیه و از بزرگان علمای امامیه در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری است.
۹. شیخ محمد حائری مازندرانی معروف به ابن‌الشیخ، روحانی مشروطه‌خواه و فرزند سوم زین‌العابدین حائری مازندرانی است.

شناسایی کردم و اسم واقعی‌اش را به او گفتم. اینجا [اشاره به یک کتاب] اتفاقاً کتابی آوردند که خیلی ارزش دارد و کتابی است از شیخ عبدالله حائری<sup>۱</sup> که از مشایخ بزرگ سلسله گنابادی است، اسم کتاب بریدالقامر فی صلوٰه‌المسافر<sup>۲</sup> است و این کتاب از این نظر مهم است که این شخص (شیخ عبدالله حائری) جزء بزرگان درویش متصوف است، پسر یکی از علمای بزرگ بوده ولی بعد از آن رشته جدا شده، و ما سابقه علمی شیخ عبدالله را نمی‌دانستیم، معلوم شد که ایشان اول جزء فقهای بزرگ بوده و از کتابش پیداست و پدرش که شیخ زین‌العابدین مازندرانی است و شخصیت خیلی عظیمی است، شیخ زین‌العابدین مازندرانی اجازه به آن می‌دهد و خیلی تعریف می‌کند از کتابش، از نظر فقاہت، کتاب فقهی است، بریدالقامر فی صلوٰه‌المسافر، رساله استدلالی مهمی است راجع به صراط مسافر؛ خوب این کتاب هیچ‌جا نیست، حتی الذریعة<sup>۳</sup> که تعهدش این است که کتب شیعه را آنجا بیاورد مراجعه کردم، الذریعة هم این کتاب را معرفی نکرده بود. یعنی ناشناس ناشناس مانده بود. این یک قسمتی از تاریخ را معرفی می‌کند. آقا شیخ عبدالله حائری شخصیت خیلی معروفی است. خانواده‌اش هم حائری‌ها، در تهران هستند از اولاد آقا هستند، پسرش آقا هادی حائری<sup>۴</sup> بود که جزء شخصیت‌های فرهنگی ایران بود و خویشانش هم رهنما و تجدد هستند که اینها پسرعموهایشان هستند. خانواده بزرگی در ایران هستند. معلوم شد قبل از اینکه بیاید درویش بشود و به گنابادی‌ها بپیوندند، جزء علما بوده. ... خانم! مثلاً این [اشاره به یک جلد کتاب] کتابی است که باز همان خانم آوردند، من که خوب بررسی کردم، دیدم این کتاب فیض<sup>۵</sup> است. مفاتیح الشرایع<sup>۶</sup>، جزء کتاب‌های فقهی خیلی خوب و ممتاز است و نسخه‌های آن هست اما پشت آن یک اجازه‌ای هست از آقا باقر بهیانی<sup>۷</sup> که به شاگردش ملامحمدجعفر داده و بخاطر این ارزش کتاب بسیار زیاد می‌شود. اگر این کتاب فقه بود [ولی] این اجازه نبود، چندان این کتاب مهم نبود. ... آنجا نوشته‌ای هست به خط شیخ زین‌العابدین مازندرانی<sup>۸</sup>، پدر ایشان که از این کتاب تعریف کرده، برادرش که باز یکی از بزرگان علماء بوده، آقای ابن‌الشیخ<sup>۹</sup> راجع به کتابش مطلب گفته. خلاصه چند تا سند تاریخی اینجا موجود بود که بسیار بسیار تازگی داشت. پس ما اول کتاب را می‌بینیم، شناسایی می‌کنیم، بعد قیمت‌گذاری که می‌شود و متعلق به کتابخانه که می‌شود، یک برگه موقت بر طبق شناسایی که من کردم، نوشته می‌شود برای کتابخانه. این اساس کار فهرست از اینجا گذاشته می‌شود، یعنی پایه‌اش که شناسایی کتاب خطی است نوشته می‌شود. بعد ثبت می‌شود و می‌رود در نوبت که فهرست شود. این کاری است که در مورد کتاب خطی انجام می‌شود.

### پس طبعاً برای شناسایی کتاب احتیاج به دانش تاریخی بسیار زیادی است؟

من فکر می‌کنم که باید انسان، آگاه از تاریخ ایران و اسلام باشد، تا حدودی علمای اسلام را بشناسد و با تألیفات‌شان آشنا باشد تا بتواند کتابشناس خوبی باشد.



## استاد این کتاب‌هایی که در کتابخانه هست معمولاً به صورت اهدایی بوده، یا خریداری [هم] بوده؟

حالا عرض می‌کنم، کل کتاب‌های خطی که اینجا منظورتان هست؟  
بله.

کتاب‌های خطی که اینجا هست می‌شود گفت به دوگونه اصلی وارد اینجا شده است اولاً مجموعه‌هایی اهدا شده به اینجا، مجموعه‌های بسیار نفیسی اهدا شده. اصلاً پایه و مایه کتابخانه از دو مجموعه هست که یکی‌اش خریداری بوده که از خانواده میرزا ابوالحسن جلوه<sup>۱</sup> که فیلسوف معروف زمان ناصرالدین شاه و از اساتید معروف بوده، از خانواده‌اش خریداری کردم دوپست و پنج جلد کتاب خطی خیلی ممتاز بوده که این جزء پایه اولیه کتابخانه بوده است، یعنی سرمایه اولیه کتابخانه است، بعد هم کتاب‌های احتشام السلطنه<sup>۲</sup>. احتشام السلطنه کسی بوده که رئیس مجلس بوده، چند ماهی رئیس دوره اول و دوم بوده، بعد هم بخاطر اختلافات سیاسی که با اوضاع ایران پیدا کرد پست سفارت را گرفت و از ایران به آلمان رفت. ارباب کیخسرو<sup>۳</sup> که پایه‌گذار کتابخانه مجلس هست و کارپرداز مجلس بوده در یادداشت‌هایش می‌نویسد که وقتی می‌خواستم کتابخانه مجلس را تأسیس کنم و پایه بگذارم آقای فروغی (محمدعلی فروغی ذکاءالملک) به من گفت که احتشام السلطنه وقتی می‌خواست برود خارج به من گفت که من کتاب‌هایم را [که] حدود سه هزار کتاب است خانه مخبر السلطنه<sup>۴</sup> گذاشتم. اگر مجلس می‌خواست کتابخانه‌ای برای خودش درست کند بروید آن‌ها را به صورت اهداء بگیرید. بنابراین کتاب‌ها را که حدود هفتصد تایش خطی بود و بقیه‌اش هم کتاب‌های فارسی، عربی و حدود هزارتایش هم فرانسه بود (چون که آن وقت تحصیلات فرانسه داشت) و کتاب‌های بسیار ذی‌قیمتی بود، [آوردند و] این پایه و مایه کتابخانه مجلس است که مقداریش اهدایی و مقداریش هم خریداری است. بعداً هم به همین صورت، همین‌طور کتاب اهداء و خریداری می‌شده برای کتابخانه مجلس. البته سیر کم خریدن و زیاد خریدن بسیار متفاوت بوده. تا [سال] ۱۳۴۰ که من حضور داشتم اینجا، کتابخانه، بودجه بسیار اندکی داشت برای خرید کتاب خطی. یاد هست این آخر که مثلاً نسبتاً زیاد بود، در سال برای خرید کتاب، بیست‌هزار تومان بود و فعالیت‌شان هم آنقدر کم بوده که گاهی این بیست‌هزار تومان تقریباً می‌خواست سالم برگردد (سر سال که بودجه برمی‌گردد) به صندوق مجلس یعنی چیزی نخورده بودند. این تصرف نشده بود و اینها آخر سال گاهی برای اینکه آبرویشان نریزد مسئولین با عجله یک خریدی می‌کردند که حساب دست نخورده برنگردد به صندوق مجلس. ولی سال ۴۱-۴۲ بود که ما چهار میلیون کتاب خریدیم یعنی مجموعه‌های نفیسی خریداری شد از جمله مجموعه شیخ‌الاسلام زنجانی<sup>۵</sup> مجموعه‌های بسیار نفیسی اهداء شد، از جمله مجموعه‌های نفیس و عالی که اهدا شده (این که می‌گوییم نفیس یعنی کماً و کیفاً نفیس)، مثلاً مجموعه

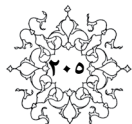
۱. حکیم میرزا ابوالحسن طباطبایی زواره‌ای نائینی متخلص به «جلوه»، فیلسوف و عارف ایرانی و یکی از دانشوران جهان تشیع است.

۲. محمود علامیر معروف به احتشام السلطنه از خانواده قاجار دولو

۳. کیخسرو شاهرخ ملقب به ارباب کیخسرو شاهرخ (۱۲۵۴-۱۳۱۹ ش.)

۴. مهدی قلی هدایت. (ملقب به مخبر السلطنه) (۱۲۴۳-۱۳۳۴)

۵. ابو عبدالله زنجانی، فرزند میرزا نصرالله شیخ‌الاسلام (۱۳۰۹-۱۳۴۶ ق.)، فقیه، مفسر قرآن‌شناس و نویسنده برجسته معاصر ایرانی، معروف به شیخ‌الاسلام زنجانی، از علمای سده ۱۴ ق است.

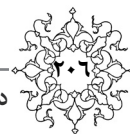




۱. سیدمحمدصادق طباطبائی، فرزند سیدمحمد طباطبائی یکی از دو رهبر مشروطیت، در سال ۱۲۶۲ ش. (۱۳۰۰ ق.)  
 ۲. سرلشکر عبدالمجید فیروز فرزند عبدالمجید میرزا فرمانفرما (از اولاد نصرت الدوله) و برادرزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما است. در ۱۳۲۸ پس از تشکیل مجلس سنا، به سناتوری رسید و این سمت را دو دوره حفظ نمود. وی به چند زبان خارجی آشنائی داشت. قبل از انتخاب نام فامیلی فیروز برای خود، لقب ناصرالدوله داشت. سرلشکر فیروز چند سال قبل از مرگ کلیه املاک خود را در اراک برای تأسیس بیمارستانی در کرمان وقف نمود. همچنین کتابخانه بزرگ خود را که به زبان‌های فرانسه و انگلیسی و عربی و فارسی بود، به کتابخانه مجلس شورای ملی بخشید. در میان کتب اهدائی، چند کتاب خطی نادر موجود بوده است. وفات او در ۱۳۳۸ و در سن ۷۵ اتفاق افتاد. وبگاه دانشنامه آزاد ویکی پدیا، مدخل «عبدالمجید فیروز»، بازیابی: ۲۶ آبان ۱۳۹۳ <http://fa.wikipedia.org>  
 ۳. میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله اصفهانی (۱۲۵۹-۱۳۲۶ ق.) از منجمان و مهندسان بسیار موفق زمان خود و استاد ریاضی مدرسه دارالفنون بود. او ریاضیات جدید اروپایی را در ایران معرفی کرد و آن را با ریاضیات قدیم اسلامی تلفیق نمود.  
 ۴. آیت‌الله حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی، فرزند حاج میرزا اسدالله امام جمعه در سال ۱۲۳۹ شمسی (۱۲۷۶ ق.) در خوی به دنیا آمد. در دوره اول مجلس از طرف علماء آذربایجان به نمایندگی انتخاب گردید. پس از فتح تهران در دوره دوم، سال ۱۳۲۶ ق. جزء پنج نفر روحانی طراز اول از طرف مراجع تقلید مقیم نجف به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در دوره سوم نیز نماینده تهران شد. یکی از گنجینه‌های گرانقدر اهدایی به کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه امام جمعه خوئی است. وی در شهریور سال ۱۳۴۴ ش. (۱۳۶۴ ق.) در تهران درگذشت و در نجف اشرف مدفون گردید. پایگاه ویستا، مدخل «میرزایحیی امام جمعه خوئی» بازیابی:

سیدمحمدصادق طباطبائی<sup>۱</sup> هست که هزار و چهارصد و سی و هشت تا کتاب خطی دارد، حدود سه هزار کتاب چاپی و در کتاب‌های خطی کتاب‌های خیلی مهم و منحصر به فرد یا نادر هست. کتاب‌های مجموعه ناصرالدوله فیروز<sup>۲</sup> که از اولاد همان نصرت‌الدوله فیروز هست که هدیه کرد اینجا، که پنج‌هزار کتاب است که حدود سیصد تا خطی و بقیه‌اش چاپی است حالا فرانسه، فارسی و عربی. بعدش کتاب‌های نجم‌الدوله<sup>۳</sup>، ریاضیدان معروف ایران هست که هدیه شد به اینجا. زرتشتی‌ها کتاب‌هایی به کتابخانه مجلس ایران هدیه کردند، که کتابخانه ارزشمندی است. کتابخانه امام جمعه خوئی<sup>۴</sup> به وسیله جمال امامی<sup>۵</sup> هدیه شد که آنجا موضوعش چهارصد تا خطی دارد، کتاب‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی که به وسیله دکتر مهدوی<sup>۶</sup> هدیه شد به اینجا که اکثرش چاپی است و تعداد کمی، حدود صدتای آن خطی است. مجموعه رهی معیری<sup>۷</sup> که البته آن خطی است که حدود هفده، هجده تا جنگ شعر خیلی خوب خطی دارد. بعد از انقلاب خوشبختانه، چهار- پنج مجموعه بسیار ارزنده، هدیه شد به اینجا که آخرین و تازه‌ترین آن کتابخانه خانواده معزی است.

خانواده معزی، یک خانواده‌ای بودند که چند نسل از علما بود که در دزفول ساکن بودند و شیخ محمدرضا دزفولی مرد خیلی معروف [بود که] جزء مراجع تقلید در اوایل پهلوی، (رضاشاه پهلوی) بود. و تا دو جده، مؤسس این کتابخانه هستند، کتابخانه خیلی بزرگی بوده [و] کتاب‌هایی توش دارد که پیداست از آن مجموعه‌ها است که مرحوم صاحب الذریعه (با الذریعه که آشنا هستی؟) الذریعه کتابی هست که در ۲۷ جلد است، کتب شیعه را به ترتیب حروف الفبا در این ۲۷ جلد معرفی کرده، خوب چون به ترتیب الفبا است مرجع خیلی خوبی است و تألیف آقا شیخ بزرگ پدر همین دکتر منزوی که در کتابخانه ملی است. ... مرحوم صاحب الذریعه رسمش بوده می‌رفته منازل کسانی که مجموعه کتاب دارند مثل سیدنصرالله تقوی (راستی از مجموعه‌های نفیسی که به اینجا فروخته شده مجموعه سیدنصرالله تقوی است که مجموعه نامداری است در تاریخ ایران و [در] خیلی از کتاب‌های استناد شده به کتاب‌های این مجموعه، [که] آن هم خریداری شد، در ۱۳۴۵ یا ۱۳۴۶. حدود ۱۳۴۶، [کتاب‌های] خیلی نفیسی بود. چهارصد هزار تومان ظاهراً آن وقت قیمت آن مجموعه بود.) صاحب الذریعه می‌رفت تو منازل آنهایی که مجموعه کتاب‌های خطی داشتند، می‌نشسته و کتاب‌هایشان را فیش می‌کرده، برای تألیف [کتاب] الذریعه این کار را کرده. آقای صاحب‌الذریعه زیاد می‌رفت در ایران که مثلاً آقای محیط طباطبائی<sup>۸</sup> از کسانی بود که بسیار سختش بود و کسی را در کتابخانه‌اش نمی‌برد. و آقای صاحب الذریعه رفته آنجا و کتاب‌های ایشان را فیش کرده، خانه تقوی رفته و فیش کرده اما این خانه آقای معزی که در دزفول بوده حالا یا اطلاع نداشته یا چه جور شده که [نتوانسته بود برود]. بنابراین بسیاری از کتاب‌های خطی که الان من در این مجموعه معزی می‌بینم (که تازه همین سال ۱۳۷۲ هدیه شده به اینجا) در الذریعه هم اسمش نیست و



کتاب‌های خیلی نادر و نفیسی هستند. بله، این تازه‌ترینش بود.

قبل از معزی، کتاب پروانه<sup>۱</sup> [بود] (یکی از قضات محترم دادگستری بود که فوت کرده، خدا رحمتش کند)، ایشان هم حدود هشت هزار [جلد] کتاب هدیه کرد اینجا، شنیدم که به کتابخانه ملی هم مقداری هدیه کرده بود و قبلش آقای دکتر محتشم نوری، قبلش آقای تیمسار سرود، یک تیمسار بسیار معموری بود حدود نود، نودوشش سال عمرش بود. اول انقلاب که وصیت کرده بود کتاب‌هایش را بیاورند اینجا که حدود پنج‌هزار کتاب چاپی بود که صدوپنجاه جلد خطی داشت که کتاب نفیس ارزشمندی است. به‌رحال اینها نمونه‌هایی بود از مجموعه‌های کتب. نمونه‌هایی که اینجا جمع‌آوری شده به این صورت که یا اهداء شده یا خریداری شده، خریداری کتاب خطی هم همیشه از قدیم شورای کتابخانه تصویب می‌کرد.

[شورای کتابخانه] که شخصیت‌های علمی و چندین نمایندگی که اهل علم بودند عضو این شورا بودند آن‌ها تصویب می‌کردند و کتاب خریداری می‌شد.

### الان هم به همین ترتیب [است]؟

الان هم همین عنوان [است] البته منهای شورا. شورای مقوم داریم اما شورای عالی که کتابخانه داشته، چند سالی است که نیست که انشاءالله امیدواریم آن شورا [احیاء شود].

### اسناد کتابخانه مجلس (حفاظت و نوع برخورد با آن)

در وسط این کتاب‌های خطی که خریداری شده آن وقت اسناد هم خریداری شده. ما به مقدار زیادی اسناد مشروطه داریم اینجا که جزء کتاب‌هایمان است، یعنی جلد شده و صحافی شده به‌صورت کتاب خطی تو فهرست‌ها هم معرفی می‌شود. مجموعه سند و سندها را معرفی می‌کنیم مثل یک [کتاب] خطی باهاش معامله می‌کنیم.

چون اینجا مرکز اسناد نداشته، به آن صورت که جداگانه آرشیو بشود اسناد و این الان یک مشکل بزرگی [برای] ماست؛ [اگر] بخواهیم مرکز اسناد درست کنیم یک مقدار عیب پیدا می‌کند کارمان، به‌رحال نمی‌توانیم مخلوط کنیم اینها را. باید تو مجموعه خودش برود از نظر تشکیلات اداری. این، خودش، یک مشکلی است [که] یک دست و یک جا نمی‌توانیم مسئله را درست کنیم، حتی فردهایی است، مقداری [اسناد] مالی، دیدید لابد، به‌صورت برگ است، برگ‌های زیادی مثلاً هزار برگ، دوهزار برگ لای دوتا چوب‌هایی می‌گذاشتند و می‌بستند و این یک واحد حساب می‌شده و ثبت شد اینجا مثلاً خانواده متین دفتری، خب یک خانواده‌ای بودند که چند صد سال یا حدود شاید یک قرن یا بیشتر مستوفی بودند در ایران و دفتری بودند و [خانواده] متین دفتری

۲۶ ابان ۱۳۹۳، <http://www.noormags.ir>

۱۲ و وبسایت ویستا، مدخل «میرزا یحیی امام جمعه خوئی»، بازیابی: ۲۶ ابان ۱۳۹۳، <http://vistair.com>

۵. جمال‌الدین امامی خوئی (۱۲۸۱-۱۳۴۵ش).

۶. از سید جمال‌الدین اسدآبادی، گنجینه‌ای شامل کتاب‌های خطی، چاپی و اسناد برجای مانده است که در سال‌های ۱۳۰۴ و ۱۳۰۷ق، به خانه حاج محمدحسن امین دارالضرب (نیای آقایان دکتر اصغر مهدوی و دکتر یحیی مهدوی)، انتقال یافت. قسمتی از این گنجینه ارزشمند که شامل ۵۰۲ جلد کتاب چاپی، ۲۸ جلد کتاب خطی و تعداد ۴۳۵ نامه و یادداشت، به خط سید جمال و نیز بخشی از لوازم شخصی وی، مانند: کیف دستی، قلم خودنویس، عینک، و مسواک است، در سال ۱۳۴۹، توسط آقای دکتر اصغر مهدوی، (از نوادگان مرحوم امین الضرب)، به کتابخانه مجلس، اهداء شد. زنده‌یاد دکتر اصغر مهدوی (۱۲۸۳-۱۲۹۴)، سال‌ها با کتابخانه مجلس، به ارتباط بود. صیدیه، سیمین، مجموعه اسدآبادی (اهدایی دکتر اصغر مهدوی به کتابخانه مجلس)، پایگاه مجلات تخصصی نور، بازیابی: ۲۶ ابان ۱۳۹۳، <http://www.noormags.ir>

۷. محمدحسن رهی معیری، فرزند محمدحسن خان مؤید خلوت، فرزند معیرالملک نظام‌الدوله وزیر ناصرالدین‌شاه بود و از طرف مادر نسبش به میرزا احمدخان مشیرالسلطنه صدراعظم صدر مشروطیت می‌رسد. وی با تخلص رهی از غزل‌سرایان معاصر ایران است.

۸. سیدمحمد محیط‌طباطبائی (۱۲۸۱-۱۳۷۰ش).

۱. محمدولی‌الله پروانه، از خوشنویسان معاصر، به پدر اهداکننده منابع به کتابخانه مجلس معروف است. وی فرزند مرحوم حاجی عبدالله است که در حدود سال ۱۲۹۴ش، در محله سنگلج تهران متولد شد. پروانه اصالتاً مازندرانی است و به علت هجرت پدر بزرگش از نور به تهران، مقیم این شهر شدند. او پس از سال‌ها ممارست و خلق قطعات نفیس خوشنویسی، نهایتاً در



روز ۲۹ خرداد ۱۳۶۶ دارفانی را وداع گفت. در سال ۱۳۶۶، فرزند وی علی‌اکبر پروانه مجموعه‌ای از خطاطی پدرش را به همراه تعدادی کتاب‌های چاپی فارسی و لاتین (حدود ۱۱ هزار منبع)، به کتابخانه مجلس اهدا کرد. خانواده مرحوم ولی‌الله پروانه، در یک مرحله دیگر، ۶۰۰ جلد کتاب چاپی دیگر را به صورت اهدا، به کتابخانه مجلس واگذار کردند. وبسایت خیرگزاری کتاب ایران، بازیابی: ۲۶ آبان ۱۳۹۳، <http://tnews.ir> و وبسایت کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مدخل «نکوداشتی برای پدر اهداکننده منابع به کتابخانه مجلس؛ ولی‌الله پروانه»، بازیابی: ۲۶ آبان ۱۳۹۳، <http://www.ical.ir>

۱. برات نوشته‌ای است که بر اساس آن شخصی به شخص دیگری امر می‌کند مبلغی در وجه یا حواله کرد شخص ثالثی در موعد معینی بپردازد.

انبار اسناد خانوادگی‌اش را آورد[ند] هدیه کرد[ند] در آن زمان سال چهل و خرده‌ای بود، ماحصل موجود است.

## اسناد مالی است.

اسناد مالی مملکت، مال هشتاد، صدسال مملکت را نشان می‌دهد، حتی اینها ثبت شده.

## در واقع همان برات‌ها هستند؟

همان برات‌ها هستند. بله، یک نوع برات است دیگر در حقیقت. بله همینطور اسناد سیدجمال‌الدین اسدآبادی مقدار مجموعه اسناد و نامه‌هایی هست که سیدجمال‌الدین به دیگران نوشته [و این اسناد] را اینجا صحافی کردند. اینها را اینجا صحافی کردند به این صورت که هر نوع سندی را تو قاب گرفتند، قاب کاغذی و اینها را مثل کتاب باهاش رفتار کرده‌اند. تهاش را تهبندی کردند، طرح‌ریزی کردند و به جای یک کتاب یا آلبوم یا تشریفات این کار را کردند. که کار بدی هم نیست.

## از لحاظ خود کاغذ صدمه نخورده به آن؟

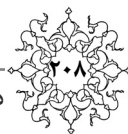
نه، نخیر، البته یک مسئله است ما خودمان هم این زمان این کار را کردیم. کاغذ را دو پوست می‌کنند که البته این یک هنر خاصی است، مثلاً این [اشاره به یک برگه] یک سند، درست است؟ بعد می‌خواهیم این را در یک قاب کاغذ قرار بدهیم. چه جور قرار می‌دهیم؟ که آن سند را در خود بگیرد؟ این کاغذ قاب را، چهار دور را دو پوست می‌کنند سند را لای آن دو پوست قرار می‌دهند. چیز جالبی به نظرتان نیست؟ خیلی جالب است، البته در عین حال یک‌جوری [باید] بکنند که اینجوری [اشاره به یک نمونه سند] متورم نشود. این خودش یک مسئله است، چون ما دیدیم که نمی‌توانیم این را حل کنیم متخصصش را پیدا [نکردیم] اما [این کار را در] قدیم می‌کردند.

## این روش شیوه قدیمی حفظ سند است؟

این روش شیوه قدیمی حفظ کاغذ سند است، اما الان ما یک پیرمرد قدیمی آوردیم این کار را کرد، من نپسندیدم برای اینکه دیدم که وسط [سند] متورم می‌شود و این درنهایت لطمه می‌خورد به اسناد برای اینکه می‌شکند.

## کتاب‌های خطی که موجود است معمولاً در چه زمینه‌ای است؟

کتاب‌های خطی اینجا در زمینه‌های بسیار مختلف متون، پزشکی، ریاضی، حساب، ستاره‌شناسی، علم احکام نجوم، نسخه‌های مربوط به علوم غریبه، جبر، رمل، اوقاف و تاریخ، فقه، اصول،



کتاب‌های کَشکول، کتاب‌های شعر، تمام رشته‌های مختلف در کتابخانه هست.

### در تمام دوره‌های تاریخی؟

البته از لحاظ تاریخ، قرن سوم که نمی‌توانم بگویم شاید مثلاً یکی دو تا قرآنی که احتمالاً مال قرن سوم است؛ مشکوک است. و من احتمال می‌دهم که مال بعد باشد، قرن چهارم چند تا هستند، مال قرن چهارم چند تا داریم. بعد، از قرن پنجم به بعد داریم.

### استاد چند جلد کتاب در کتابخانه هست؟

بیش از هفده هزار<sup>۱</sup> جلد، با این اهدایی اخیراً شده است.

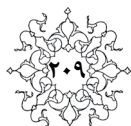
### طریقه فهرست‌نویسی کتاب‌ها به چه ترتیبی است، به صورت سیستم کتابداری؟

فهرست‌نویسی خطی فرق می‌کند، [در] کتاب چاپی [موضوع] کتاب‌ها و مؤلف و... شناخته می‌شود [و] از این نظر مشترکند، در حقیقت کتاب‌های چاپی نسخه‌شناسی ندارد فقط کتابشناسی دارد که کتاب مؤلفش چیه، اسم خود کتاب چیه، تقسیمات کتاب چیه، اضافاتی که دارد، سال چاپ، ناشر اینها [در فهرست‌نویسی آورده می‌شود] ولی کتاب خطی به‌جای ناشر و چاپ و اینها، مشخصات نسخه دارد. یعنی ما باید در فهرست خطی که می‌نویسیم، یک کتابشناسی بنویسیم که اسم کتاب و مؤلف را اول می‌نویسیم، تمام [می‌شود] بعد نسخه‌شناسی شروع می‌شود. در نسخه‌شناسی خصوصیات اول کتاب، وارد می‌شود و حاشیه‌های کنار [متن] کتاب باید خوانده شود که ببینیم مطلب مربوط به خود این [کتاب] است، گاهی [مطالب حاشیه‌ای] مربوط به این [کتاب] است ولی گاهی کنار این کتاب خطی [مطالبی] راجع به زلزله‌ای که در سال ۱۳۱۳ اتفاق افتاده، گفته که مثلاً چی شده، عده‌ای مردند و... خلاصه وقایع [را بیان کرده] که من گفتم راجع به هر کتاب خطی هر برگش [را من] بعنوان سند نگاه می‌کنم از این نظر است که بسیاری از اوقات در کتاب‌های خطی در کنارش یا آخرش و اولش چیزهایی است که مربوط به مطالب خود کتاب نیست، مطالب دیگری بوده که صاحب کتاب یا دیگران که در این چندصد سال که از نسخه کتاب گذشته در کتاب وارد کرده‌اند.

۱. در حال حاضر کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی حدوداً دارای ۱۲۰۰۰۰ کتاب چاپی، ۳۰۰۰ نسخه خطی، و حدود ۱۲۰۰۰۰۰ برگ سند، می‌باشد (به نقل از آقای زارع بیگی، یکی از مسئولان کتابخانه مجلس).

### استاد چند جلد کتاب است از شما در زمینه فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی؟

یعنی چه؟، یعنی مرجع، به عنوان مرجع؟



بله، کتاب‌هایی که به اسم شما منتشر شده.

اینجا الان من جلد بیست و دوم فهرست را دارم چاپ می‌کنم، این [اشاره به یک جلد کتاب] جلد بیست و دوم است که مجموعه طباطبایی است. از این بیست و دو جلد مثل اینکه شش جلد را دیگران [فهرست] کردند [و] بقیه را من [فهرست] کردم.

### پس سال‌های بسیار زیادی را شما مشغول فهرست‌نویسی بودید؟

عرض کردم که بله از اولی که [کتابخانه تأسیس شد] در عین حال که خیلی سال هم فهرست ننوشته‌ایم واقعاً برای اینکه من چهل سال است که مشغول فهرست نوشتن هستم و اگر همه‌اش را مشغول بودم که بیش از اینها می‌شد منتهاش خب من کارهای دیگری را هم [انجام داده‌ام].

### استاد من از طرف سازمان تشکر می‌کنم از شما... .

خواهش می‌کنم در خدمت‌تان هستیم. من هم از شما ممنونم، از محبت شما.

### منابع

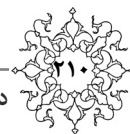
۱. طباطبایی بروجردی، حاج آقا حسین. خاندان آیت‌الله بروجردی. (علی دوانی، کوششگر)، تهران، انصاریان،

۱۳۷۱:

۲. مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی،

۱۳۶۷، جلد ۵:

1. <http://fa.wikipedia.org>
2. <http://www.fetrat.com>
3. <http://portal.nlai.ir>
4. <http://www.howzeh-meybod.ir>
5. <http://www.pajoohe.com>
6. <http://wiki.ahlolbait.com>
7. <http://marifat.nashriyat.ir/node/2334>
8. <http://mferestade.blogfa.com>
9. <http://www.aftabir.com>
10. <http://www.wikifeqh.ir>
11. <http://www.dte.ir>
12. <http://www.ahlulbaytportal.com>



13. <http://www.safarnevvis.com>
14. <http://rasekhood.net>
15. <http://www.noormags.ir>
16. <http://www.aghabozorg.ir>
17. <http://www.quranc.ir>
18. <http://www.persian-man.ir>
19. <http://tnews.ir>
20. <http://www.ical.ir>
21. <http://www.al-shia.org>
22. <http://www.hadith.net>
23. <http://mohakeme.com>
24. <http://nbo.ir>

